

چشم گربه

مارگارت اتوود

مترجم:

دکتر آزاده زارع



نشر

سرشناسه: اتوود، مارگارت، ۱۹۳۹ م. Atwood, Margaret
عنوان و نام پدیدآور: چشم گربه / مارگارت اتوود؛ مترجم: آزاده زارع؛
مشخصات نشر: تهران: نشر جمهوری، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۵۳۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۰۲۴-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: داستان‌های کانادایی — قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: زارع، آزاده، ۱۳۶۱ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ چ۵ / PS۳۵۵۲

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۷۳۶۰۷

تیر و فروشگاه: خیابان انقلاب، فخررازی، شهدای ژاندارمری غربی، شماره ۸۸ تلفن: ۶۶۳۸۵۱۱۲

فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰، تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰

فروشگاه ۲: خیابان پختی، رسیده به دولت، شماره ۱۴۸۵، تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

فروشگاه ۳: خیابان کریم ان، خردمند جنوبی، نبش کوچه یگانه، کافه کتاب فراموشی، تلفن: ۸۸۲۲۰۶۰



نشر جمهوری

🌐 jomhooripub.com

📷 jomhooripub

✉ nashre.jomhoori@gmail.com

■ چشم گربه

● مارگارت اتوود

● نشر: جمهوری، چاپ اول ۱۳۹۹، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۰۲۴-۰

● لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج

● صفحه‌آرایی و طرح جلد: گروه هنری جمهوری

● حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

مقدمه

مارگارت اتوود متولد ۱۰ نوامبر ۱۹۳۸، شاعر، داستان‌نویس، منتقد ادبی، فعال سیاسی و فمینیست سرشناس آمریکایی است. اتوود نوشتن نمایشنامه و سرودن شعر را در شش سالگی شروع کرد. او در سال ۱۹۶۱ با مدرک لیسانس در رشته‌ی اصلی ادبیات انگلیسی و فلسفه و زبان فرانسه به عنوان رشته‌های جنبی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۶۹ مدرک ارشد خود را از دانشگاه رادکلیف دریافت و به مدت دو سال مطالعات دکترای خود را در دانشگاه «هاروارد» ادامه داد. آثار او ریشه در رئالیسم سنتی دارند و در نوشته‌هایش از زن به عنوان شخصیت اصلی استفاده می‌کند و در داستان‌هایش واقعیت‌های اجتماعی را با تخیل و خودشناسی و طنز همراه می‌کند. او در کارنامه‌ی خود بیش از ۵۵ جایزه‌ی ملی و بین‌المللی کسب کرده است. تاکنون بیش از ۴۰ رمان، داستان کوتاه، داستان کودک و کتاب‌های غیرادبی منتشر کرده است. آثاری همچون وصیت‌ها، سرگذشت ندیمه، آدمکش کور، چشم‌گریه، عروس فریکار، گریس دیگر، اوریکس و کریک به قلم این نویسنده می‌باشد.

کتاب چشم گریه اولین بار در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسید. داستان از جایی شروع می‌شود که نقاشی معروف و سالخورده به نام ایلین ریزلی به شهر تورنتو که از دوران کودکی تا جوانی‌اش در آن زندگی کرده، بازمی‌گردد تا در نمایشگاهی که برای بررسی و گرامیداشت آثار او برگزار می‌شود، شرکت کند. زمانی که او وارد شهر می‌شود، خاطرات گذشته دوباره در او جان می‌گیرند و خود را کودکی نه ساله می‌بیند که بعد از مدت‌ها زندگی پرماجر اجویانه و دائم در سفر بودن، برای اولین بار به انواش به تورنتو آمدند تا به طور دائم در یک شهر زندگی کنند. ورود به تورنتو آغاز دوستی سه نفره‌ای است که تمام زندگی او را تا زمان حال تحت تأثیر قرار می‌دهد، دوستی‌ای پر از تحقیر، تحکم، نفرت و تمسخر که ریشه‌ای احساسات او را در درون خشک می‌کند و آثار آن در تمام تابلوهای نقاشی او که در نمایشگاه در معرض دید تماشاگران قرار گرفته، دیده می‌شود. او در تورنتو، چشم به راه مهم‌ترین و بی‌رحم‌ترین دوست دوران کودکی‌اش، کردیلاست. می‌خواهد بداند او اکنون چگونه انسانی شده؟ حالا زنده است یا مرده. زخم‌هایی که "کردلیا" بر روح‌اش گذاشت هرگز از بین نرفت.

داستان از نیمه‌ی قرن بیستم یعنی سال ۱۹۵۰-۱۹۶۰ می‌شود و تا سال ۱۹۸۰ ادامه می‌یابد. نام کتاب "چشم گریه" نام ایلین است که الین دوستش دارد و همیشه با خود به این طرف و آن طرف می‌برد.